نیم نگاه

بررسی عملکرد یکساله سازمان محیط زیست

■ مژگان جمشیدی ■

همزمان با هفته دولت گزارش عملکرد یکساله سازمان محیط زیست در ۶۰ صفحه منتشر شد. این گزارش علی القاعده می بایست عملکرد دولت و سازمان حفاظت محیط زیست ایران را در یکسال اخیر به تصویر می کشید که البته اینگونه نبود. به عنوان مثال انتظار می رفت، سازمان محیط زیست به طور شفاف اعلام می کرد که برای نجات ایران از انتهای جداول جهانی شاخص های پایداری برای محیط زیست سرزمین، چه اقداماتی انجام داده است. چقدر سطح مناطق حفاظت شده و کیفیت حفاظت را ارتقا داده، در کدام مناطق مدیریت علمی و اکوسیستمی و مبتنی بر شناخت اکولوژیک را اعمال کرده است، در برابر کدام یک از عوامل تهدید و تخریب محیط زیست و مناطق چهارگانه ایستادگی کرده است. از حقوق کدامیک از محیط بانان زنده و مرده این سازمان دفاع کرده و هزارویک پرسش دیگر که متاسفانه این گزارش به آنها پاسخ نداده است.

بد نیست یادآوری کنیم که وضعیت محیط زیست ایران در معتبرترین ارزیابی جهانی در سال ۲۰۰۵ میلادی بسیار نگران کننده بوده به طوری که کشور ایران از نظر شاخص های پایداری محیط زیست در بین ۱۴۶ کشور جهان، با قرار گرفتن در انتهای این جدول و حتی بعداز کشورهایی چون بورکینوفاسو، آنگولا، لیبی، ویتنام و... در پله ۱۳۲ جهان قرار گرفته است. در کشوری که مسوولان آن هر از چندگاهی مفهوم توسعه پایدار را علنا زیرسوال برده و از پشت تریبون های رسمی، محیط زیست و منابع طبیعی را مانع توسعه و سد راه اشتغالزایی عنوان می کنند و خود به تخریب گسترده سرزمین دامن می زنند بیش از این هم نمی توان انتظار داشت. در چنین شرایطی چندان تعجب برانگیز نیست اگر ۵۰ درصد گونه های پستانداران و ۲۰ درصد پرندگان و بیش از ۱۷۰۰ گونه گیاهی کشورمان در خطر انقراض باشند. مگر برای حفاظت و مدیریت مناطق مان چه کردیم؟ اگر جاده ساختیم یا از وسط پارک ملی مان عبور دادیم یااز وسط تالاب، اگر سد ساختیم یا جنگل هایمان را زیرآب بردیم یا دریاچه هایمان را خشکاندیم.

انتقال لوله های نفت و گاز، حفاری های نفتی، احداث اسکله، هتل، راه آهن و ... و هرچه که به نوعی به سازندگی مربوط می شد جملگی در مناطق حفاظت شده که تنها ۷ درصد خاک کشورمان را در برمی گیرد انجام شد.

یوز ایران در سراشیبی انقراض و پاک شدن از عرصه گیتی است و بسیاری از وحوش ایران سال هاست که حتی دیده نشده و اطلاع چندانی از آنها در دست نیست، در چنین شرایطی درگزارش عملکرد یکساله سازمان زیست در بخش فعالیت های تحقیقاتی به ارائه مقاله درباره «جمعیت کلاغ های ایران» و ارائه این مقاله به یک مجله خارجی در سطح خاورمیانه اشاره می شود!

جوجه فلا مینگوی گرفتار در شوره زار دریاچه ارومیه

قصد ما زیرسوال بردن تمامی اقدامات این سازمان نیست. اما جالب است که در این گزارش از مواردی به عنوان عملکرد یاد شده که کوچکترین نفعی به حال محیط زیست نداشته است. چاپ تمبر و پوستر و بروشور، برگزاری همایش و سمینار و میزگرد، ملاقات و دیدار با برخی افراد و بازدید از برخی مناطق (مثلا بازدید از صخره های ساحلی استان هرمزگان!) مکاتبه با دیگر نهادهای دولتی مثلا نمایندگان مجلس، رئیس جمهور و نیروهای مسلح و ... راه اندازی و تکمیل کولر و گرم کننده های سالن همایش و سینمای پارک پردیسان و حتی صدور ۶ قطعه کارت همیاری محیط زیست هم از عملکردهای یکساله این سازمان بوده است که البته ۹۵ درصد این عملکردها به مواردی اینچنینی ختم می شود.!

در سازمانی که یک اسلحه بیهوشی یافت نمی شود تا یک حیوان زبان بسته و بی گناه از شهر خارج شود و نهایتا به ضرب گلوله سازمان محیط زیست از پا درمی آید، مقاله از پوشش گیاهی پارک پردیسان و کلاغ های ایران چه نفعی می تواند داشته باشد؟ سازمانی که پای برگه تغییر کاربری اراضی پارک جنگلی لویزان در کمیسیون ماده ۵، امضا می کند تا جنگل لویزان تخریب شود و در برابر احداث بی ضابطه ده ها شهرک صنعتی سکوت اختیار می کند، با ساخت و ساز نهادهای نظامی و تعاونی های مسکن و انتقال خطوط لوله های نفت و گاز، احداث و تعریض جاده واجرای پروژه های غیرکارشناسی گردشگری حتی در پارک های ملی موافقت می کند، این همه دیدار و ملاقات و مکاتبه با سازمان های دولتی چه نفعی به محیط زیست می رساند ؟ وقتی در همین یکسال ۳ محیط بان به شهادت رسیده و بیش از ۱۰ محیط بان با ضرب گلوله روانه بیمارستان شده اند و سه ماه گذشته از سال حقوق ناچیز محیط بانان پرداخت نشده، دفاع از محیط بان چه معنایی دارد؟

وقتی در جلسه شورایعالی محیط زیست، بالاترین مقام اجرایی کشور با نادیده گرفتن قوانین محیط زیست علنا با اعلام حفاظت برخی مناطق مخالفت می کند، صحبت از تنوع زیستی چه مفهومی دارد؟

برای نجات آشوراده، نای بند، خجیر، ارسباران، گلستان و سرخه حصار، تالاب انزلی، دریاچه ارومیه و بختگان و ده ها دریاچه و منطقه دیگر چه کردیم؟!

چرا از این موارد سخن به میان نمی آوریم اما تهیه ۲۴ فقره بلیت برای ماموریت های خارج از کشور مدیران و کارمندان اداره و خرید ۲۱ دستگاه کامپیوتر و بررسی ۱۸ قرارداد کارمندی را جزو عملکرد تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست می دانیم؟

عملکرد یکساله سازمان محیط زیست را هم می توان همچون سایر عملکردهای چندساله دیگران در این سازمان تنها با حضور فیزیکی در طبیعت ایران به تصویر کشید. آنجا که دیگر هیچ چیز از مناطق حفاظت شده البرز مرکزی، جاجرود، ورجین و پارک های ملی اثر باقی نمانده است.

سواحل مرجانی خلیج فارس در محاصره صنایع نفتی

■ امیر صدیقی * ■

آبسنگ های مرجانی با ارزش ترین، غنی ترین و با اهمیت ترین اکوسیستم های موجود در جهان هستند. هر کشوری که برخوردار از سواحل مرجانی است به طور قطع سهم هنگفتی از ذخایر آبزیان و شیلات، توریسم و امنیت را برای خود در اختیار گرفته است.

بیولوژیست ها معتقدند: ۸۰ درصد آبزیان دریایی در آبسنگ های مرجانی پرورش می یابند و وجوداین مناطق امکان تکثیر و زاد و ولد دیگر موجودات دریایی را فراهم می کند. نابودی سواحل مرجانی، یعنی هجوم طوفان های مرگبار و تخریب تاسیسات موجود در سواحل، یعنی به خطر افتادن معیشت ساحل نشینان، یعنی نابودی صنعت شیلات و توریسم، یعنی نابودی تنوع زیستی و نابودی تنوع زیستی یعنی نابودی آن جامعه.با این حال طبق گزارش های سازمان ملل در چند دهه اخیر بیش از ۷۰ درصد سواحل مرجانی کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله ایران نابود شده که عمده دلیل آن آلودگی نفتی و پیشروی ساخت و سازهای ساحلی در داخل دریا بوده است.

بر طبق گزارش های دفتر محیط زیست دریایی ایران، بیشترین میزان تخریب سواحل مرجانی ایران در جزایر لاوان، کیش و نای بند بوده است. در کیش به بهانه توسعه گردشگری آن هم از نوع ناپایداری (که البته با از بین رفتن مرجان های جزیره کیش درآمد حاصل از توریسم غواصی در این منطقه تا ۸۰ درصد کاهش یافته است!) و در نای بند به دلیل توسعه صنایع نفت و گاز، طرح توسعه پارس جنوبی در چند سال اخیر به قیمت نابودی ده ها هکتار از سواحل مرجانی خلیج نای بند و جنگل های حرای این منطقه تمام شد. مجریان توسعه با انفجار دینامیت در دریا و خرد کردن آبسنگ های مرجانی و ساخت اسکله راه شناورهای خود را به ساحل باز کردند و متولیان محیط زیست هم در تمام این سال ها تنها نظاره کردند و حتی در سال ۸۲ پارس جنوبی را به عنوان یکی از نمونه های منابع طبیعی برگزیدند! آنچه در ذیل می آید خلاصه ای است از وضعیت سواحل مرجانی ایران و دنیا از زبان امید صدیقی، معاون دفتر محیط زیست دریایی سازمان محیط زیست:

در سال های اخیر، آبسنگ های مرجانی در سراسر جهان از جمله آبهای خلیج فارس و دریای عمان بطور گسترده ای در معرض آسیب و تخریب قرار گرفته اند که عوامل اصلی آن فعالیت های انسانی شامل افزایش جمعیت در مناطق ساحلی، بکارگیری وگسترش تجهیزات مدرن مکانیکی و تکنولوژیکی است.

طبق برآوردهای اتحادیه جهانی حفاظت (IUCN)، در ۲۰ سال گذشته، بیش از ۹۳ کشور جهان از جمله ایران سواحل مرجانی خود را بطور گسترده و شدیدی تخریب کرده اند. بر اساس همین برآورد، بیش از ۳۰درصد کل آبسنگ های مرجانی جهان تا ۱۵ سال آینده در صورت ادامه این روند نابود خواهد شد و تا ۵۰ سال آینده این رقم ۷۵درصد کل آبسنگ های مرجانی را شامل خواهد شد.

اما نرخ تخریب و خسارات وارده به آبسنگ های مرجانی خلیج فارس به دلیل فعالیت های انسانی گسترده و کنترل نشده بسیار شدیدتر از نرخ متوسط جهانی است. یکی از مهمترین عوامل نابودی مرجان ها در خلیج فارس و دریای عمان، ساخت و سازهای غیر اصولی و فاقد بررسی زیست محیطی است که گزارش ها و مطالعات ملی و بین المللی این موضوع را تأیید می کنند.

ساخت و سازهای ساحلی گسترده و بدون کنترل همراه با پیشروی به سمت دریا و خشک کردن آبهای ساحلی باعث شده تا آبسنگ های مرجانی و دیگر موجودات کفزی سواحل ایران در زیر هزاران تن سنگ و خاک مدفون و نابود شوند. این اقدامات به طور غیر مستقیم نیز باعث افزایش شدید کدورت آب می شود که خسارات فراوانی به حیات آبسنگ های مرجانی در آبهای همجوار وارد ساخته است. با این حال ساخت تأسیسات مختلف ساحلی همچون اسکله ها، انبارها، موج شکن ها، ساختمانهای مختلف ساحلی، سایت های تخلیه و بارگیری، خاکبرداری های وسیع و بتن ریزی و نیز لایروبی های گسترده همچنان ادامه دارد.

عملیات اکتشاف نفت و گاز در آبهای ساحلی و ایجاد و ساخت بنادر و اسکله برای بارگیری نفت، گاز مایع و فرآورده های نفتی و گازی، استقرار لوله های نفتی و گازی در سواحل و در بستر دریا و عملیات انفجار دینامیت در بستر دریا و در مناطق مرجانی، ایجاد اسکله های جدید و موج شکن های متعدد و تخریب گسترده سواحل مرجانی نیز در گروه عملیات ساخت و سازهای بدون کنترل و بررسی قرار می گیرد که بیشترین خسارات را تاکنون به این ذخایر ارزشمند ژنتیکی و آبزی وارد کرده است.

غنی ترین اکوسیستم های جهان

آبسنگهای مرجانی در محیط زیست دریایی به ویژه آبهای گرمسیری نقشی مشابه جنگلهای گرمسیری در مناطق خشک کره زمین دارند به طوری که هر دو آنها نسبت به سایر اکوسیستم ها از تنوع زیستی بسیار بالایی برخوردارند که البته بیشترین میزان تنوع زیستی در زیستگاههای مرجانی ثبت شده است. منطقه Indo-Pacific (آسیای جنوب شرقی) به عنوان کانون تنوع زیستی مرجانها دارای حداقل ۷۰۰ گونه مرجانی سخت (Coral Reefs) است.

از این منطقه به سمت غرب یعنی اقیانوس هند تنوع زیستی مرجانها کاهش می یابد. با این وجود بخش های مختلف اقیانوس هند نیز پس از آسیای جنوب شرقی از بالاترین تنوع زیستی مرجان ها و سایر ارگانیسم های آبزی برخوردار است. بعنوان مثال بیش از ۲۰۰ گونه مرجانی سخت (Reefs bulding corals) از مناطق مرکزی و شمالی دریای سرخ و حدود ۲۰۰ گونه مرجانی از آبهای غرب اقیانوس هند (ماداگاسکار و چاگوس) ثبت شده است.

تاکنون حدود ۱۱۷ گونه مرجانی از جنوب شرقی هند، ۶۰ گونه از خلیج تایلند و ۱۰۷ گونه از دریای عمان و بیش از ۵۷ گونه از خلیج فارس ثبت و گزارش شده است. حدود ۱۵درصد از گونه های مرجانی دریای عمان بومی منطقه (endemic) و همینطور ۱۰درصد آنها گونه های جدید هستند.

آبسنگ های مرجانی از با ارزش ترین اکوسیستم های محیط زیست دریایی هستند که از ارزش ها و خدمات اکولوژیک بسیار بالایی برخوردارند. جوامع مرجانی به لحاظ تأمین زیستگاه طیف وسیعی از موجودات به ویژه انواع بی مهرگان و ماهیان و آبزیان اقتصادی و زینتی، حفظ تعادل اکولوژیک و فراهم نمودن تغذیه آنها نقش ارزنده ای را ایفا می کند. سواحل مرجانی به عنوان یک موج شکن و حائل طبیعی در مقابل طوفانها و امواج شدید از سواحل محافظت می کند و آبهای آرام و تالابهای پناهگاهی را در مناطق ساحلی بوجود می آورند.

آبسنگ های مرجانی که در آبهای کم عمق مناطق گرمسیری جهان با وسعتی حدود ۶۰۰/۰۰۰ کیلومترمربع گسترده شده اند، نشانه مرزهای دریایی مناطق گرمسیری اند. این موجودات دریایی عمدتا بین عرض های ۴۰ درجه شمالی و جنوبی کره زمین در ۱۰۹ کشور گسترده شده اند. بیشترین میزان سواحل مرجانی در اقیانوس هند و بخش های غربی اقیانوس آرام یافت می شوند که تاکنون حدود ۷۰۰ گونه مختلف مرجان از این مناطق ثبت و گزارش شده است. این در حالی است که در اقیانوس اطلس تنها ۶۲ گونه گزارش شده است.

این اکوسیستم ها تأمین کننده اصلی معیشت مردم و جوامع انسانی منطقه ای هستند به طوریکه بسیاری از کشورهای کم درآمد از طریق بهره برداری از منابع موجود و نیز توسعه اکوتوریسم درآمدهای ارزی و ریالی ارزشمندی را از این منظر بدست می آورند.

مرجانها می توانند سواحل را از تخریب ها و خسارات ناشی از امواج و طوفان ها سهمگین محافظت کنند و از طرف دیگر برای امرارمعاش و زندگی میلیونها انسان که بخش قابل توجهی از غذا و درآمد خود را از تولید آبسنگ های مرجانی بدست می آورند بسیار مهم و حیاتی اند.

تولید مواد غذایی و حفظ تنوع زیستی در دریا به شدت وابسته به آبسنگ های مرجانی است که با کاهش یا تخریب این زیستگاهها، نه فقط تولید بلکه تنوع زیستی هم بطور قابل ملاحظه ای کاهش می یابد.

با این وجود در سراسر دنیا،همچنان آبسنگ های مرجانی از کاهش و تخریب نگران کننده ای در سالهای اخیر رنج می برد. سرعت تخریب در مورد ۱۰درصد آبسنگ های مرجانی جهان آنقدر زیاد است که حتی از بازیافت و ترمیم طبیعی آنها هم پیشی گرفته است. حتی پیش بینی شده است که بیش از دوسوم این ذخایر در دوره زمانی نوه های ما از بین می روند، مگر اینکه یک مدیریت مؤثر و قوی روی این منابع ارزشمند بصورت یک الویت فوری و اضطراری به اجرا درآوریم.

میزان تولید مواد زنده (Living matter) در اکوسیستم های مرجانی ۳۰ تا ۲۵۰ برابر مقادیر تولید شده در آبهای باز اقیانوسی است. در حالیکه تولید در آبهای اقیانوسهای گرمسیری بسیار پایین تر از این است(۵۰-۱۸ گرم کربن در هر متر مربع در سال)،اما مرجانها ۱۵۰۰ تا ۵۰۰۰ گرم کربن در هر مترمربع در سال تولید می کنند. دلیل این تولید بالا، بازیافت نوترینت ها یعنی نیترات و فسفات توسط مرجانها و اجتماعات مرجانی است که در آبهای سطحی اقیانوس ها مقادیر آن محدود است.

ساخت و سازهای ساحلی گسترده و بدون کنترل همراه با پیشروی به سمت دریا و خشک کردن آبهای ساحلی باعث شده تا آبسنگ‌های مرجانی و دیگر موجودات کفزی سواحل ایران در زیر هزاران تن سنگ و خاک مدفون و نابود شوند

مهمتر از وسعت صخره های مرجانی نقش آنها در پروسه های زیست محیطی محلی و جهانی و مشارکت آنها در درآمد و معاش انسان ها می باشد.

صخره های مرجانی فقط یک بخش Passive محیط زیست نیستند بلکه صخره های مرجانی به صورت طبیعی نوعی موج شکن را شکل داده و تالابهای آرام و پناهگاه و سواحل حفاظت شده ای را بوجود می آورند. مرجانها حتی می توانند ، جنگلهای حرا را که کانون پرورش بسیاری از گونه های آبزی تجاری است در مقابل امواج شدید محافظت کنند و در مقابل به عنوان سدی محافظ از ورود ذرات معلق و رسوبگذاری در سواحل جلوگیری کنند.

آبسنگ های مرجانی حدود ۱۲-۱۰ درصد برداشت و صید مستقیم ماهی و صدف کشورهای گرمسیری را تأمین می کنند. همچنین برآورد شده که این اکوسیستم ها می توانند ۲۵-۲۰ درصد صید ماهی کشورهای در حال توسعه را پوشش دهند.

عوامل انسانی تهدید کننده مرجان ها شامل دو فاکتور عمده است:

۱-رشد فزاینده جمعیت انسانی در کشورهای در حال توسعه مناطق گرمسیری و مهاجرت به مناطق ساحلی که صخره های مرجانی وجود دارد.

۲-توسعه و گسترش تکنولوژی، مانند استفاده از لایروب های مکانیکی و هیدرولیکی، جمع آوری ماهی با انفجار دینامیت و یا استفاده از سم.

رشد سریع جمعیت همراه با گسترش و توسعه تکنولوژی عامل اصلی کاهش و تخریب مرجانها به طرق مختلف است که عبارتند از ریزش پسماندهای محلی، کشاورزی و صنعتی به دریا و یا به رودخانه های منتهی به دریا و آلودگی و ریسک ایجاد شده برای سلامت انسان و ازدیاد میزان نوترینت آب و تهدید سلامت مرجانها، استفاده و کاربری ضعیف و نادرست زمین که باعث فرسایش خاک و افزایش ذرات معلق و رسوبات رودخانه ها و زیستگاه های مرجانی می شود، برداشت غیر مجاز، صید بیش از حد منابع زیستگاه های مرجانی از جمله ماهیان زینتی مرجانی که منجر به خسارت و تخریب این زیستگاه ها می شود.

صید بیش از حد ماهیان و دیگر موجودات مرجانی مثل صدف ها باعث کاهش و افت شدید ذخایر آن و در نتیجه کوچک شدن تدریجی سواحل مرجانی و غیر اقتصادی شدن صید می شود. از طرف دیگر کاهش بعضی از ماهیان جلبک خوار که در اکوسیستم های مرجانی زندگی می کنند باعث ایجاد فرصت گسترش و تقویت جلبکها و غلبه کردن جلبکها در رقابت با مرجانها در اشغال بستر و در نتیجه تضعیف و کاهش صخره های مرجانی در زیستگاه مربوطه می گردد.

در صورتیکه توسعه و فعالیت های انسانی به دقت کنترل شود، توریسم به ویژه در مناطق مرجانی، می تواند به صورت سازگار با محیط زیست یک روش بسیار مناسب و مطمئن جهت ایجاد درآمد (ارزی و ریالی) باشد. برداشت و بهره برداری نامحدود و بدون کنترل ماهیان و بی مهرگان مرجانی و مرجانها)، صید ورزشی و تفریحی، خسارتهای تصادفی توسط شناگران، غواصان، صیادان و لنگرهای قایق ها باعث تخریب مرجانهایی می شود که درآمدهای توریستی را ایجاد می کنند.

در نتیجه فعالیتهای انسانی بخش وسیعی از صخره های مرجانی از اثرات و استرس های مزمن رنج می برند. تخلیه پسماندها، آلودگی ها، رسوب گذاری (ذرات معلق)، صید بیش از حد، برداشت و کندن مرجانها، توریسم و جمع آوری و برداشت گونه های مرجانی و موجودات وابسته مرجانی جهت صادرات و تجارت با همدیگر باعث تخریب اکولوژیک حدود ۳۰درصد صخره های مرجانی جهان طی دو دهه می گردد.

وضعیت سواحل ایران در خلیج فارس

اما آلودگی در خلیج فارس به صورت سه منبع اصلی قابل تقسیم است:

- گسترش شهرها و توریسم
- استخراج و بهره برداری و حمل و نقل نفت
- منابع آلاینده با منشأ خشکی

بیشترین مناطق مرجانی ایران در خلیج فارس در اطراف جزایر خارک و خارکو در شمال و اطراف جزایر جنوبی بین لاوان تا هرمز از جمله جزایر هندورابی، کیش، فارور، بنی فارور، سیری، لارک، هنگام، تنب کوچک و بزرگ، ابوموسی و شرق قشم یافت می شود.

مرجان های حاشیه ای ساختار مرجانی عمده و غالب آبهای ایران است. ۵۷ گونه مرجان تاکنون در خلیج فارس گزارش شده است و در مطالعات مختلف انجام شده در آبهای ایران ۱۹ گونه آبسنگ مرجانی در آبهای هرمز توسط Hanger (۱۹۷۶) و ۳۵ گونه آبسنگ مرجانی در جزایر مختلف توسط رضایی (۹۵-۱۹۹۴) و نیز ۲۵ گونه توسط صدیقی (۲۰۰۴) و ۲۷ گونه توسط شکری (۲۰۰۱) در مناطق مختلف شناسایی شده است.

دو استرس مهم حرارتی ایجاد شده در سال های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ باعث بروز پدیده سفید شدگی و مرگ و میر وسیع مرجانها در مناطق مختلف خلیج فارس شد. بروز این پدیده از مناطق مرجانی بحرین، عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در سالهای مذکور گزارش شده است. این پدیده در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ به صورت غیر رسمی از منطقه جزیره کیش نیز گزارش شده است که مرگ و میر وسیع مرجانهای شاخ گوزنی (Acropora) را به دنبال داشته است. در عربستان سعودی، سفید شدگی بسیار شدیدی در سال ۱۹۹۶ بر اثر شوک حرارتی ایجاد و باعث تلفات و مرگ و میر بیش از ۹۰درصد مرجانهای شاخ گوزنی شد.

در عین حال بررسی های اخیر نشان دهنده وضعیت بهتر آبسنگ های مرجانی در مناطق فارور و خارکو است.

در جزیره کیش بیشترین عوامل مخرب انسانی به توریسم و صید ماهیان زینتی و خوراکی، لنگر اندازی قایق ها، تورهای صیادی و ساخت و سازها مربوط می شود. کاربری و استفاده نامناسب از زمین و افزایش رسوبگذاری، آلودگی های نفتی، پساب های صنعتی و کشاورزی و شهری و برداشت و تخریب فیزیکی مرجانها از دیگر عوامل تهدید سواحل مرجانی ایران در کیش، لاوان و نایبند بوشهر است. اما در منطقه خارک و خارکو علاوه بر عوامل ذکر شده، آلودگی نفتی ناشی از فعالیت شرکت نفت در خارک هم بسیار قابل توجه و مؤثر است. سطوح بالای هیدروکربن های نفتی در رسوبات منطقه خارک و خارکو این مدعا را به اثبات می رساند.

در منطقه پارک ملی نایبند نیز فعالیتهای وسیع و ساخت و سازهای منطقه ویژه پارس جنوبی به شدت رسوبگذاری و آب منطقه را بالا برده و به همراه آلودگی های شیمیایی گسترده ایجاد شده فشار قابل ملاحظه ای به آبسنگ های مرجانی منطقه وارد نموده است.

* معاون دفتر محیط زیست دریایی سازمان محیط زیست

* متن ویرایش شده گفت و گو با اعتماد ملی

تنوع زیستی

خشکسالی جان ۶۰ آهو را در یزد گرفت

بیش از ۶۰راس آهو در منطقه حفاظت شده «کالمند و بهادران» در استان یزد به دلیل بروز خشکسالی و بی آبی و گرسنگی جان باختند.

بر طبق گزارش های رسیده از استان یزد،تداوم خشکسالی در چند سال اخیر و تخریب زیستگاه به شدت باعث فقر پوشش گیاهی و خشک شدن چشمه ها در مناطق حفاظت شده این استان شده است به طوری که بسیاری از آهوهای این منطقه در ۵ ماه اخیر در اثر گرسنگی و نبود علوفه جان خود را از دست داده اند. در عین حال مسوولان محلی حاضر به ارائه اطلاعات و شمار واقعی تلفات نیستند و عنوان می کنند: «به دلیل صدور بخشنامه از وزارت کشور و سازمان محیط زیست از انجام مصاحبه و دادن اطلاعات منع شده ایم.»! با این حال یک مقام آگاه در سازمان حفاظت محیط زیست یزد به خبرنگار اعتمادملی گفت: نبود آب و علوفه از اوایل اردیبهشت ماه سال جاری باعث شده تا برخی از وحوش جان خود را از دست بدهند و آن تعدادی هم که زنده مانده بودند در حالی که قصد خروج از منطقه کالمند را داشتند به دلیل عبور جاده ترانزیت خاتم - شیراز که دقیقا از وسط منطقه می گذرد در اثر برخورد با خودروها دچار سانحه شدند و جان باختند.

وی گفت:به نظر می رسد تاکنون ۶۰راس آهو فقط در این منطقه در مدت ۵ ماه اخیر جان باخته اند که حدود ۴۰ راس آنها به هنگام عبور از جاده و برای اینکه خودشان را به مزارع برسانند تا چرا کنند جان خود را از دست دادند.

وی در ادامه افزود: با این وجود هنوز اعتبارات خشکسالی به دست ما نرسیده و اداره محیط زیست هم تا حدی اقدام به پخش علوفه و ایجاد آبشخورهای

بسیار در منطقه کرده اما با توجه به وسعت ۲۴۰ هزار هکتاری منطقه این خدمات برای وحوش کافی نیست و لازم است مسوولان سازمان محیط زیست دولت، توجه بیشتری به این مناطق که به شدت در حال نابودی هستند داشته باشند. جمعیت آهوی ایران در سال های بعد از انقلاب به دلیل شبیخون گسترده به زیستگاه ها به شدت افت کرده، به حدی که نسل این حیوان در ۶۰ درصد مناطق کاملا منقرض شده و در سایر مناطق دشتی ایران جمعیت محدودی از آهوها وجود دارند.

جنگلبان

بعد از قتل ۴۰۰ جنگلبان
برای نخستین بار صادر شد

قصاص برای قاتل ناصر پیروی

«افراسیاب» متهم به قتل ناصر پیروی رئیس اداره منابع طبیعی ماسال هفته گذشته با رای دادگاه برای دومین بار به قصاص محکوم شد. شهید ناصر پیروی در روز ۷ اردیبهشت سال ۸۴ در حالی که شهرستان رشت را به مقصد ماسال ترک کرده بود در یک ایست بازرسی توسط ۴ نفر از ماموران مسلح ربوده شد. آدم ربایان با انتقال او به جنگل های صومعه سرا او را تحویل ۲ نفر دیگر به نام های «پرویز» و «افراسیاب» دادند که سرانجام بعد از گذشت یک ساعت به طرز فجیعی به قتل رسید.

متهمان به قتل که سابقه چندین مورد دخل و تصرف در اراضی جنگلی و تخریب جنگل را در پرونده خود داشتند قصد تصرف بخش های زیادی از اراضی جنگلی ماسال را داشتند که با مقاومت شهید پیروی مواجه شدند.

حکم قصاص برای «افراسیاب» در حالی صادر شده که دیوان عالی کشور پیش از این حکم قصاص این متهم را رد کرده بود اما شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان گیلان تیرماه سال جاری با برگزاری ۵ جلسه دادگاه سرانجام باردیگر حکم قصاص متهم را صادر کرد.

چنانچه حکم قصاص این متهم به تایید دیوانعالی کشور برسد می توان گفت این برای نخستین بار است که در طول ۲۸ سال اخیر پرونده قتل یک جنگلبان و محیط بان به سرانجام می رسد و دادگاه حکم قصاص را صادر می کند.

روزنا
پایگاه اطلاع رسانی روزنامه اعتماد ملی با تازه ترین رویدادهای ایران و جهان
www.roozna.com